طرح ساله: این پژوهش با هدف بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران انجام شده است.

روش: مطالعه از نوع توصیفی و نیز همگنی‌سازی است که بر روی 1530 دانش‌آموز دوره راهنمایی (785 دانش‌آموز پسر و 745 دانش‌آموز دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و خوشه‌ای چند مرحله‌ای اجره شده است. ابزار پژوهش پیش‌نامه محقق ساخته بود که رایی و پایانی آن در مرحله نقشمندی مورد بررسی و تایید تزریر گردید.

پایه‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که شیوع آزار جسمانی خِنفی 382 درصد، آزار جسمانی شدید 269 درصد و 200 درصد، و آزار سایر درصد است. همچنین برابری معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان، منظقه محل زندگی تحصیل و والدین، شغل والدین و طلاق والدین با شیوع کودک‌آزاری وجود دارد. نتایج به استناد فانی های پژوهش حاصل می‌تواند که شیوع کودک‌آزاری در حدا بالایی است و این مطالعه نیازمند توجه هرچه پیشتر مسئولان جهت پیشگیری از تبعات منفی کودک آزاری است.

کلیدواژه‌ها: دانش‌آموزان دوره راهنمایی، شیوع، کودک آزاری

تاریخ دریافت: 8 آذر 1397

* فلوشپ روانپزشکی کودک و نوجوان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی

<kkhashabi@yahoo.com>

 ** دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی سلامت، دانشگاه تهران

*** کارشناس ارشد روانشناسی بالینی کودک و نوجوان، بیمارستان توانبخشی رفیع‌ه

**** دکتر روانشناسی، عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی و توانبخشی
1. Neglect
2. Emotional Abuse
3. Physical Abuse
4. Sexual Abuse
نامناسب و مانند آن است، در حالی که به توجهی آموزشی موضوعاتی مانند دادن اجازه گریز از مدیره به کودک به صورت مداوم و ناتوانی از نامنیپی و ی و در مدیرسی و به توجهی عاطفی موادی چون عدم تامین عاطفی، کودک را در معرض آزار همسر قرار دادن، اجازه دادن به کودک برای مصرف مواد و اگر و عدم مراقبت روانشناختی از کودک را شامل می‌شود (Marvasti, 2000).

2-2 آزار عاطفی

آزار عاطفی شامل تهدیدهای فراوان کلامی، تمسخر، عقاید خوراندن، سیر بالا نمودن کودک، خودداری از فراهم نمودن غذا، سرنا، خواب و سایر ضروریات زندگی به صورت عمده و بهره‌کشی اقتصادی از کودک است. همچنین آزار عاطفی به پنج نوع تقسیم‌بندی می‌شود که عبارتند از طرد، منزیل نمودن، ترساندن، نادیده گرفتن و فاقد نمودن کودک و فاقد نمودن کودک شامل تقویت پرخاش‌گری، رفتار‌های جنسی، مصرف مواد یا رفتار جنایی به وسیله کودک می‌باشد (Marvasti, 2000; Walker, et al., 1988).

3-3 آزار جسمانی

آزار جسمانی شامل آسیب‌هایی نظری ضربه، سوختگی، ضربه به سر، شکستگی، ایجاد آسیب‌های داخلی، زخم و سایر اشکال آسیب جسمانی می‌باشد که حداکثر به مدت 48 ساعت در مدت داشته باشد. یکی از اشکال آزار جسمانی «تشانگان اثری که بیماری ناشی از فاقدی در ارتباط با حالت جسمانی» است که در آن والدین کودک را در معرض درمان دارویی، جراحی و سایر اعمال پزشکی که ضرورتی برای آن وجود ندارد قرار می‌دهند (Walker, et al., 1988).

4-4 آزار جنسی

آزار جنسی با جعلیت جنسی علیه کودک مواد نادیده گرفته تأمین عاطفی از بین کودک و پزشک‌گاه باشد که در آن کودک برای ارضا جنسی بزرگسال مورد استفاده قرار می‌گیرد. آزار
جنسي کودک توسط والدین و یا زنا با محارم، شامل هر نوع تماس جنسی (شامل تماس دیگری) بین کودک و یکی از اعضای خانواده با جانشین والدین می‌باشد. این تماس‌های جنسی از جمعیت تا ناپایدار است و ناشناشگرفته‌ی تغییرات، همچنین تحرک‌های مکرری که در کودک پرانکسختگی جنسی ایجاد نموده و یا با خاطر اراضی جنسی بزرگ‌سال انجام می‌گیرند نیز از جنسی در نظر گرفته می‌شود (Stevenson، 1989; Marvasti، 2000). به عبارتی، آزار جنسی وادار نمودن کودک به انجام عملی است که مناسب در سن وی نیست و کودک از درک آن عاجز است. ولی در کیفیت قانونی به ۵ سال از قانون‌های برگرانت پاشیده (Pritchard، 2004).

سروه رفتار با کودک یک تهدید اصلی برای سلامت و بهداشت کودکان محسوب می‌گردد و ضروری است که برنامه‌های حمایتی، پیشگیری و رسیدگی به این بیماری اجتماعی به اجرای درآمد. نظر به همین امر، پژوهش حاضر به بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره‌های ابتدایی شهر تهران می‌پردازد.

(۲) پیشینه مطالعه

عفیف و همکاران در پژوهشی به بررسی شیوع کودک‌آزاری در میان ۱۵۶/۱۵/۵۵ یکی از مناطق کشور مصر پرداختند. این پژوهش بر روی ۳۶۴ کودک آزاری بالغ بر ۱۲/۱۲۴۶ ردیس کودک‌آزاری طبق‌آزمون، ۳۶/۱۸ درصد کودک‌آزاری توزیع شد. همچنین عوامل پیشین برای کودک‌آزاری در این مطالعه تحصیلات مربیان و علاقه‌مندی و جند همسری کودک و خواندن کودک‌آزاری (Afifi، et al.، 2003) مای جامه‌های و کاوسون در پژوهشی بر روی ۲۸۴۹ نفر نشان دادند که ۷ درصد پاسخ دهنده‌گان مورد کودک‌آزار

1. Incest
2. Exhibitionism
3. Voyeurism
جسمانی، 6 درصد مورد کودک‌آزاری عاطفی و 6 درصد مورد فقدان مراقبت توسط والدین قرار گرفته بودند (Maychahal & Cowson, 2005). بدرگر در پژوهشی به بررسی نقش درآمده خانوار، خصوصیات خانوادگی و خشونت فیزیکی بر روی کودکان پرداختند. این پژوهش بر روی ۲۰۰ خانوار صورت گرفت. نتایج نشان داد که در خانواده‌های تکوکلی، خانواده‌های دارای والدین افسردگی، سابقه مصرف الکل و نوسان افزوده‌ها تاریخچه مورد خشونت قرار گرفتن والدین در دوران کودکی و پایین بودن درآمد خانوار بر روی کودک‌آزاری به طور معناداری بیشتر است (2005).


براساس تحقیق آتین ۸۸/۱ درصد از والدین گزارش کرده که کودکان خود را مورد آزار خیفی قرار داده‌اند (آتین، ۱۳۸۰). این میزان در پژوهشی که توسط نوکل با همین هدف در اصفهان انجام شد، ۸۱ درصد به دست آمده است (نولک، ۱۳۷۹).

در مورد کودک‌آزاری تحت عنوان ابرسی شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره دبیرستان شهر برم به روشی داشت‌آموز صورت گرفت، مشخص نمود که ۲۰/۲ درصد دانش‌آموزان دوره دانش‌آموز از آزار جسمانی واقع شده‌اند (برمی، ۱۳۸۲). همچنین در این مطالعه شیوع
پژوهش حاضر با هدف بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دوره راهنمایی شهر تهران و از نوع مطالعات توصیفی-همه‌گیری است.

1- جمعیت آماری و روش نمونه‌گیری

جمعیت مورد مطالعه حاضر ۱۵۳۰ نفر از دانش‌آموزان راهنمایی شهر تهران شامل پسر (۷۸۵ نفر و دختر (۷۴۵ نفر) بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی بر حسب متغیرهای جنسیت، پایه تحصیلی و منطقه محل زندگی انتخاب شده بودند. جهت اجرای پرسشنامه‌ها و رسیدگی به مدارس از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده گردید.

2- ابزار مطالعه

برای گردآوری داده‌ها از یک پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید. لازم بر ذکر است که در بررسی قادر به منظور محاسبه روابط پرسشنامه مورد نظر نهایی در انتخاب نظر

120
محترم طرح و همچنین چند نفر از کارشناسان و متخصصان قرارداده شدند در طرح‌های محتوت و
صوری ابزار از نظر آنها مورد بررسی قرار گرفت. پس از تایید روایت محتوی، پرسشنامه
بر روی ۱۰۰ نفر از دانش‌آموختگان اجرا گردید و ضریب آلفای کرونباخ آن محاسبه گردید.
مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای کل سوال‌های پرسشنامه ۰/۷۰ به دست آمد. در ارتباط با
سوال‌های خرده مقياس‌ها، بیشترین مقدار ضریب آلفای کرونباخ مربوط به خرده مقياس
آزار جسمی با ۰/۸۱ و کمترین آن مربوط به خرده مقياس آزار عاطفی با ۰/۴۶ بود.

۳-۲ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

داده‌های پژوهش با کمک روش‌های آماری توصیفی و آزمون خیو تحلیل گردید.

۴) یافته‌ها

۴-۱ انواع کودک‌آزاری

نتایج آماره‌های توصیفی حاکی از آن‌که بیشترین میزان شیوع آزار جسمی خفیف مربوط
به سبیلی زدن، پرت کردن و سل بودن هم داده به ترتیب با ۳۸/۴۳، ۳۲ و ۲۳ درصد و کمترین آن
مربوط به کشیدن دست و نکان داده به ترتیب با ۱۳/۶ و ۱۱/۸ درصد است. بیشترین میزان شیوع
آزار جسمی شدید مربوط به لگد زدن با ۳۵/۹ درصد و کمترین آن مربوط به شکستن
استخوانها. ایجاد درد‌رفته و ایجاد سوختگی به ترتیب با ۱۴/۳، ۱۱/۸ درصد درصد می‌باشد.

۴-۲ پیش‌بینی

۲۰۰۵ درصد داشت آموزان مورد پی‌توجه جسمی، ۱۵/۴ درصد مورد پی‌توجه آموزشی و
۳۲/۹ درصد مورد پی‌توجه عاطفی قرار گرفتند.
فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷

۳-۱-۴ آزار عاطفی

از بین انواع حیثیه آزار عاطفی، فرایند زدن، وجود نزاع‌های خانوادگی، بی اعتنایی کردن به ترتیب با ۶۴/۳، ۴۴/۲ و ۴۵/۳ بیشترین میزان شیوع و زندگی کردند. تهدید به ترک کردن و تنهایی گذاشتن و تهدید به از بین بردن و سایر به ترتیب با ۷۸/۱ و ۱۹/۶ درصد کمترین میزان شیوع را داشتند.

۳-۲ چنینی دانش آموز

بر اساس نتایج جدول شماره ۱ می‌توان گفت که میان دانش‌آموزان دختر و پسر تفاوت معناداری از نظر شیوع آزار جسمی (p<0/01 و p<0/03، همچنین تفاوت معناداری از نظر شیوع بی‌توجهی میان دانش‌آموزان دختر و پسر وجود دارد (5/2000 و p<0/002))؛ بنابراین تفاوت معناداری از نظر شیوع آزار عاطفی میان دانش‌آموزان دختر و پسر دیده شد.

جدول ۱: میزان شیوع کودک آزاری بر حسب جنسیت دانش آموزان

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>جنسیت</th>
<th>تعداد آزمون</th>
<th>قرارگیری</th>
<th>فراوانی درصد</th>
<th>قرارگیری</th>
<th>فراوانی درصد</th>
<th>قرارگیری</th>
<th>فراوانی درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td>۷۴۵</td>
<td>۴۲/۴</td>
<td>۷۱/۴</td>
<td>۵۴۱</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۴۵۱</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بی‌توجهی</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
</tr>
<tr>
<td>دختر</td>
<td>۴۲/۴</td>
<td>۷۱/۴</td>
<td>۵۴۱</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۴۵۱</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۴۵۱</td>
<td>۴۵/۳</td>
</tr>
<tr>
<td>پسر</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
<td>۴۵/۳</td>
<td>۷۸۵</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۳-۳ تقصیب والدین

نتایج جدول شماره ۲ حاکی از آن است که رابطه معناداری، میان تقصیب والدین و شیوع کودک آزاری جسمی (p<0/01 و p<0/03، رابطه معناداری میان تقصیب والدین و

۱۲۲
شیوع کودک‌آزاری از نوع یو توجهی (11/00<χ<32/00) و رابطه معناداری میان تحقیقات پدران و شیوع کودک‌آزاری عاطفی وجود دارد (11/00<χ<32/00).

جدول 2: شیوع کودک‌آزاری بر حسب سطح تحقیقات پدر

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>تحقیقات پدر</th>
<th>افراد مورد آزار قرار</th>
<th>گروه</th>
<th>کل</th>
<th>نتیجه آزمون</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>چسی</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
</tr>
<tr>
<td>124</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
<tr>
<td>176</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
</tbody>
</table>

χ²=0.014 p<0.05

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>تحقیقات پدر</th>
<th>افراد مورد آزار قرار</th>
<th>گروه</th>
<th>کل</th>
<th>نتیجه آزمون</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>چسی</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
</tr>
<tr>
<td>124</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
<tr>
<td>176</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
</tbody>
</table>

χ²=0.014 p<0.05

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>تحقیقات پدر</th>
<th>افراد مورد آزار قرار</th>
<th>گروه</th>
<th>کل</th>
<th>نتیجه آزمون</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>چسی</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
</tr>
<tr>
<td>124</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
<tr>
<td>176</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
</tbody>
</table>

χ²=0.014 p<0.05

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>تحقیقات پدر</th>
<th>افراد مورد آزار قرار</th>
<th>گروه</th>
<th>کل</th>
<th>نتیجه آزمون</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>چسی</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
<td>درصد</td>
</tr>
<tr>
<td>124</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
<tr>
<td>176</td>
<td>248</td>
<td>314</td>
<td>315</td>
<td>308</td>
<td>308</td>
</tr>
</tbody>
</table>

χ²=0.014 p<0.05
نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان تحصیلات مادران و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد (۰/۰۳<\(\chi^2\) و \(384/384\)؛ میان تحصیلات مادران و شیوع کودک‌آزاری از نوع بتوجه تی رابطه معناداری وجود دارد (۰/۰۲<\(p\) و \(324/176\)). همچنین رابطه معناداری میان تحصیلات مادران و شیوع آزار عاطفی کودکان وجود دارد (۰/۰۱<\(p\)).

جدول ۳ شیوع کودک‌آزاری بر حسب سطح تحصیلات مادر

| نوع آزار | تحصیلات مادر | افراد مورد آزار قرار گرفته | کل افراد مورد آزار قرار | آزمون تی | پ< \(p\)
|---------|----------------|--------------------------|--------------------------|-----------|-------|
| جسمی   |                |                          |                          | \(x^2=384/384\) | ۰/۰۱<\(p\)
| بتوجه   |                |                          |                          | \(x^2=278/278\) | ۰/۰۱<\(p\)
| آزار عاطفی |              |                          |                          | \(x^2=384/384\) | ۰/۰۱<\(p\)

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>

| نوع آزار | تحصیلات مادر | کل | آزمون تی | پ< \(p\)
<table>
<thead>
<tr>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
<th></th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>بتوجه</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td></td>
<td>۲۴۰</td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
پنج جدول شماره ۳ شغل و دین

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان شغل پدر و شیوع کودک آزاری جسمی وجود ندارد (χ²=۶۸/۸ و p<۰/۰۱). اما رابطه معناداری میان شغل پدر و شیوع کودک آزاری از نوع بی‌توجهی وجود دارد (χ²=۷۷/۴ و p<۰/۰۱) و رابطه معناداری میان شغل پدر و شیوع آزار عاطفی کودکان این جدول نیست. شد (χ²=۴/۲۰۸ و p<۰/۰۱).

جدول ۴: شیوع کودک آزاری بر حسب شغل پدر

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>شغل پدر</th>
<th>شغل پدر</th>
<th>شغل پدر</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td></td>
<td>افرادی که مورد آزار قرار گرفته</td>
<td>قرار نگرفته درصد</td>
<td>درصد قرار نگرفته</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
<td></td>
</tr>
<tr>
<td>جسمی</td>
<td>کارمند</td>
<td>۱۱۹</td>
<td>۶۸/۶</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>کارگر</td>
<td>۱۱۴</td>
<td>۶۴/۸</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>آزاد</td>
<td>۱۴۷</td>
<td>۶۷/۶</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>بیکار</td>
<td>۳۶</td>
<td>۵۴/۳</td>
</tr>
<tr>
<td>بی توجهی</td>
<td>کارمند</td>
<td>۱۱۶</td>
<td>۷۱/۷</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>کارگر</td>
<td>۱۳۸</td>
<td>۷۶/۶</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>آزاد</td>
<td>۱۴۴</td>
<td>۶۹/۸</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>بیکار</td>
<td>۴۰</td>
<td>۶۶/۸</td>
</tr>
<tr>
<td>آزار عاطفی</td>
<td>کارمند</td>
<td>۱۱۶</td>
<td>۷۱/۷</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>کارگر</td>
<td>۱۳۰</td>
<td>۷۴/۳</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>آزاد</td>
<td>۱۴۷</td>
<td>۶۷/۶</td>
</tr>
<tr>
<td></td>
<td>بیکار</td>
<td>۴۳</td>
<td>۶۸/۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

125
نتایج جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان شغل مادران و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد و شیوع کودک‌آزاری در مادران حاصل دار به طور معناداری بیشتر است (p<0.01) و (χ²=٢٥۹٥/۰/۵۰)؛ رابطه معناداری میان شغل مادران و شیوع کودک‌آزاری از نوع بر توجهی وجود ندارد (p<0.0۵) و (χ²=٣/۸۴۰/۲۸)؛ در حالی که میان شغل مادران و شیوع آزار عاطفی رابطه معناداری وجود دارد (p<0.۰۱) و (χ²=٢/٧٢٨۵/٩۸*).

جدول ۵: شیوع کودک‌آزاری بر حسب شغل مادر

<table>
<thead>
<tr>
<th>شغل مادر</th>
<th>نوع آزار</th>
<th>افراد مورد آزار</th>
<th>قرار گرفته‌اند</th>
<th>قرار درصد</th>
<th>درصد</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>شغل دار</td>
<td>جسمی</td>
<td>۲۴۹</td>
<td></td>
<td>۷۸/۲</td>
<td>۷۸/۲</td>
</tr>
<tr>
<td>شغل دار</td>
<td>بر توجهی</td>
<td>۲۱۹</td>
<td></td>
<td>۶۵/۹</td>
<td>۶۵/۹</td>
</tr>
<tr>
<td>شغل دار</td>
<td>آزار عاطفی</td>
<td>۸۲</td>
<td></td>
<td>۶۸/۸</td>
<td>۶۸/۸</td>
</tr>
</tbody>
</table>

۵-۵ طلاق و دلین

نتایج جدول شماره ۶ نشان می‌دهد که رابطه معناداری میان طلاق و دلین و شیوع کودک‌آزاری جسمی وجود دارد و شیوع کودک‌آزاری جسمی در دلین مطلقه به طور معناداری بیشتر است (p<0.۰۱) و (χ²=٢/۶۴۳۹/۵۰)؛ رابطه معناداری میان طلاق و دلین و شیوع کودک‌آزاری از نوع بر توجهی وجود دارد و شیوع بر توجهی در والدین که از هم طلاق گرفته‌اند نیز به طور معناداری بیشتر است (p<0.۰۱) و (χ²=۲/۸۴۰/۲۸)؛ از سوی دیگر رابطه معناداری میان طلاق و دلین و شیوع آزار عاطفی وجود ندارد (p<0.۰۱) و (χ²=٢/٧۲٨۵/٩۸*).
جدول 4- شیوع کودک آزاری بر حسب طلاق و دین

<table>
<thead>
<tr>
<th>نوع آزار</th>
<th>طلاق و دین</th>
<th>فرد ذکر</th>
<th>فرد نیفتاده</th>
<th>کل</th>
<th>تکمیل آزمون</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>حسی</td>
<td>والدین مظنون</td>
<td>24</td>
<td>57/7</td>
<td>36</td>
<td></td>
</tr>
</tbody>
</table>
<pre><code>| والدین بدون طلاق | 21 | 32/3 | 53 | 
</code></pre>
<p>| بی‌توجهی | والدین مظنون | 28 | 62/2 | 90 |
| والدین بدون طلاق | 41 | 91/7 | 132 |
| آزار    | عاطفی     | 32 | 69/5 | 101 |
| عاطفی     | 32 | 69/5 | 101 |</p>

نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های مطالعات قبلی دارای مشابه‌تی و تفاوت‌هایی است. نتایج این‌طور آمده‌اند که فرد مبتلا به اختلال عصبی، عصبی و نگرش‌هایی است که باور و رفتارهای مربوط به یک بیماری، رفتارهای مراقبتی و بهداشتی و غیره را شکل می‌دهد (Prichard, 2002). از علل گروه یا تفاوت در توزیع‌های جمعیتی قبل و اختلاف در ایزارد انتقاد گیری خشونت از دیدگاه داد. به عنوان مثال در دو پژوهش آنیب (1379 و 1380) که شیوع آزار جسمی خشیف 81 و 82 درصد بیان شده است. این پژوهش اشاره به شاخص سینی در نظر گرفته شده است.
1. Externalizing Behavior Problems

ظرفیت با 38/3 درصد به خود اختصاص داده است. در پژوهش اندریوان نیز این نوع آزار بیش از 2 درصد را داشته است (اندریوان، 1375). تولک در پژوهش خود به مجموعه 32 درصد، آنی (1380) (38 درصد، نوروزی (1372) (47 درصد، همیشه (1382) (47 درصد، دست یافتند. علت احتمالی تفاوت در میزان شیوع مربوط به گروه افراد نسبت به بعضی آزارها مانند سیل زدن و به فلای زدن است که به خیال از تریبیت و اضطراب دانسته و دلیل برای گزارش یکان به احتمال زیاد در حالی است که براساس نتایج مطالعات این نوع نتیجه‌گیری می‌شود که پیامدهای تأثیرگذاری از دنیال داشته باشد. از جمله در پژوهش مک میلان با هدف بررسی شیوع سیل زدن و به کف افتادن در گروهکی و ارتباط آن با اختلالات روانپزشکی در پزشکان مشخص شد که سیل زدن در کودکان سبب افزایش بروز اختلالات اضطرابی و نیز مصرف مواد غیرمجاز و مشکلات رفتاری بروی بسیاری در پزشکانی می‌گردد (McMillan, 2001).

نتایج پژوهش مبنای حساس در حیطه بی‌توجهی، شیوع بی‌توجهی سومی را 10/5 درصد، بی‌توجهی آموزشی را 15/2 درصد و بی‌توجهی عاطفی را 37/9 درصد نشان داد. در بعد گزارش بیشترین شیوع مربوط به فراهم نکردن امکانات تحریم در خانه از منزل، در بعد آموزش مربوط به بی‌توجهی نسبت به درخواست‌های مادری و عدم قرار آوردن نیاز‌های آموزشی و در بعد عاطفی بیشترین شیوع مربوط به عدم حمایت عاطفی و بی‌توجهی نسبت به علاقه‌مندی کودک می‌باشد. براساس نتایج مطالعه جوانی و مک کرودی-مزر بی‌توجهی سومی 14/1 درصد گزارش گردید (Jones & McCurdy, 1992). همچنین براساس نتایج تحقیق قاضی در کویت مصاحبه بی‌توجهی شامل محروم کردن از پول (20/6 درصد)، محروم کردن از غذا (9/7 درصد) و محروم سیل زدن از نظر (19/7 درصد) بوده است (Quesem, 1998) (47 درصد). نتایج مطالعه اندریوان بیانگر این بود که میزان بی‌توجهی عاطفی 37/24 درصد، بی‌توجهی هنگام بیماری 32/84 درصد، بی‌توجهی نسبت به فراهم کردن غذا کافی 24/56 درصد و بی‌توجهی آموزشی 27/12 درصد بوده است (اندریوان، 1375).

1. Externalizing Behavior Problems
در پژوهش میری (۱۳۸۲) نیز مشخص گردید که ۲۴/۹ درصد از دانش‌آموزان به نوعی مورد بی‌توجهی واقع شدند. از این میزان ۵۷/۶ درصد را بی‌توجهی طبیعی، ۱۸/۸ درصد را بی‌توجهی جسمی، ۲۹/۳ درصد را بی‌توجهی عاطفی به خود اختصاص دادند (میری، ۱۳۸۲). نتایج مربوط به پژوهش آنین در شهرک نشان داد که ۷۷/۶ درصد از والدین نسبت به هنیه پوشان و غذا مورد نیاز کودک بی‌توجهی داشته‌اند. همچنین ۱۷/۳ درصد بی‌توجهی نسبت به فرآیند تربیت‌الزمانی آموزشی و ۷۶/۸ درصد نیز بی‌توجهی نسبت به عوامل کودک‌ها را بیان کرده‌اند (آین، ۱۳۸۰). در پژوهش پرودان پیام به هدف تغییر شیعه کودک‌آزاری در دانش‌آموزان دو هجده نفر رفت، شرایط و شرایط مختلف گردید که بیشترین میزان بی‌توجهی و هوا و هوا به ورود محیط بی‌توجهی مربوط به بی‌توجهی نسبت به تفریح یا ۶۱/۱ درصد بوده است (پرودان، ۱۳۷۹). بررسی نتایج مطالعات مختلف نشان داد که بی‌توجهی در جمع‌بندی با فرهنگ‌های مختلف به میزان بالایی وجود دارد و تفاوت‌هایی که در گزارش نتایج مطالعات مختلف وجود دارد می‌تواند ناشی از تفاوت نگرش والدین و جامعه نسبت به بیروایان نیازهای اساسی کودک و تفاوت در روش‌شناسی تحقیق دانست. بررسی نتایج بی‌توجهی و سوء رفتار بر پرخاش‌گری، گوش‌گیری و رفتارهای اجتماعی در آمریکا نشان داد که مورد بی‌توجهی قرار گرفتن نسبت به کودکان گردها کنترل گوش‌گیری بوده‌اند و همچنین این کودکان اعتماد به نفس کم‌تر، احساس نامناسبی بیشتری داشته و نسبت به خود اطمینان کمتری دارند. این کودکان اغلب‌البیا کم‌تر و کم‌تری بر روی خود داشته و در ارتقاء با دست‌انداز خود مشکلات زیادی دارند (لئویس، ۲۰۰۲).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که در حیطه آوار عاطفی، بیشترین میزان شیوع مربوط به فرآیند دندان، وجود نواحی خانوادگی و بی‌اعتنایی کودن به ترتیب با ۴۴/۳ و ۲۴/۵ درصد و کم‌ترین آن مربوط به زندگی کودن، تهیه در به ترک کودن و نهایتاً گذشت و تهیه به آن بین پرودان و مکان مورد علاقه به ترتیب با ۱۸/۸ و ۱۳/۸ درصد بوده.

بررسی نتایج مطالعه‌های در آمریکا مشخص گردید که بیش از دو سوم کودکان حادکل یک مورد تهیه کلامی و بیش از یک سوم کودکان حاداقل ۱۱ بار تجربه خشونت کلامی

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که تفاوت معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان و بروز کودک آزاری در حیطه‌های آزار جسمی، آزار عاطفی و آزار تحصیلی وجود دارد. این تفاوت معناداری میان جنسیت دانش‌آموزان و پی‌توجه به دست‌نیامد. میزان شیوع آزار جسمی در دانش‌آموزان پسر بطور معناداری بیشتر از دانش‌آموزان دختر بود. در تحقیق روز و همکاران نیز مشخص گردیده که شیوع آزار جسمی در دانش‌آموزان پسر بیشتر از دانش‌آموزان دختر است (Ross, et al., 2005). کوربی معناداره است که والدین برای تنبل نهایی کودکان پسر غالباً از روش‌های خشن ویژه‌ای بنیه دانش‌آموزان کنند. در حالی که برای تنبل دختران از روش‌های کمتر خشن‌اند، مانند طرد، تحقیق و پی‌توجه و فریب زن استفاده می‌کنند (Corby, 2000).

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که بین میزان تحصیلات والدین و کودک آزاری رابطه معناداری وجود دارد. به‌طوری‌که بروز آزار در مدارس و پدران دارای تحصیلات بالا تا حدی که بطور معناداری بیشتر از والدین با تحصیلات بالا بود. بر اساس نتایج تحقیق قسمی یک ارتباط قوی و منفی بین میزان تحصیلات والدین و منگری آن سبب نسبت به تنبلی بنیه وجود دارد. به‌طوری‌که ۲۲ درصد والدین به‌سواد و ۱۵ درصد والدین دارای تحصیلات دبیرستان و بالاتر با تنبلی بنیه شدید موافق بودند (Quesem, 1998).
پژوهش حاضر مقایسه‌دار بود.

یافته‌های تاثیرگذاری دارای تحصیلات پایین را می‌توان ناشی از فقدان دانش و آگاهی کافی آن‌ها از فرآیند رشد و تکامل کودک و نیازهای جسمی و عاطفی کودک دانست. علاوه بر این، والدین دارای تحصیلات پایین بیشتر متعلق به طبقات پایین و محروم جامعه بوده که احتمال شکل‌گیری و تسریع‌کردن کودک بوده‌ایان آن‌ها بیشتر است. در این رابطه احتمال می‌کند بین میزان تحصیلات کم والدین و سوء رفتار ارتباط قوی وجود دارد (به‌جز ۱۳۷۳). میزان تحصیلات والدین در شیوه رفتار آنان یا فرزندان تأثیر فراوانی دارد. پدربوداری فرزند می‌باشد رفتار دوستانت‌تری با فرزندان خود دارد و بیشتر به نیازهای عاطفی و جسمی آنان توجه می‌کند.

نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن بود که رابطه معامله میان طلاق والدین و کودک آزاری جسمانی و بی‌توجهی وجود دارد. اما رابطه معامله میان طلاق والدین و آزار عاطفی به دست نیامده. در پژوهش اورال مشخص کرده که ۲۵ درصد از موارد آزار توسط کودکانی که شدید بازدارند به والدین آنها از همان چهار شده بودند (Oral, ۲۰۰۱). براساس نتایج پژوهش شامکاسبی در ۲۴ مورد از ۱۱۹ مورد مطالعه مشکلاتی نظیر طلاق، مدارک و ناسازگاری‌های شدید خانوادگی وجود داشته است. بالا بودن شیوع کودک‌های بیشتری در دانش‌آموزانی که والدین آنها از همان چهار شده بودند می‌توانند ناشی از مستندات بیشتری مادر در توجه و مراقبت از فرزندان و نش کمتر پدر در جایان کم‌بوده فرزندان باشد (Shamkasim, ۱۹۹۴).

به نظر بی‌پنج‌سالی که در خانواده‌های نکوالدی بزرگ شده‌اند ۷۷ درصد ریسک بالاتری برای آزار جسمی و ۸۰ درصد ریسک بیشتر برای آزار جسمی و بی‌توجهی نسبت به کودکان دو و نیک‌دارند (Betz, ۲۰۰۰). از نظر وارکاربولیس وجود استرس بیشتر در خانواده‌های نکوالدی سبب می‌شود که شخص از
فصلنامه علمی پژوهشی رفتار اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۷

آزار اعضای خانواده به عنوان یک مکانیسم دفاعی استفاده می‌کند. شخصی که روى فرتب خود کنترل دارد، می‌تواند مشکلات خود را از طریق سیستم‌های حمامی حل نماید و رفتارهای آزاردهنده خویش را کاهش دهد. ولی شخصی که عصبانیت خود را فراکنی می‌کند، بسب آزار دیگران می‌شود (Varcarolis، 1994) و در خانواده‌ای که والدین به دلیل ضعف بودن سیستم‌های حمامی میزان آزار افزایش می‌یابد. به نظر می‌رسد نبودن سیستم‌های حمامی موجود همراه با استرس‌های تحمیل شده نسبت به سیستم‌های موجود بسیار آسیب‌پذیر بوده و جهت تغییر و آزادسازی محوریت فراینده خود نسبت به کودک جذوری شده و می‌باشد.

(Campbell، 1995) با توجه به هدف مطالعه حاضر بعنی بررسی میزان شیوع کودک‌آزاری، محدودیت اصلی این مطالعه بودن ایزرا پژوهش مناسب با فرهنگ ایران در حوزه کودک‌آزاری بود. با توجه به این محدودیت، در پژوهش حاضر از پرسشنامه محقق ساخته شده است. پیشنهاد می‌شود که محققان بعدی بر روی جوامع مشابه این پژوهش و جوامع پژوهشی مختلف به ساخت و هنگامی این نوع پرسشنامه اقدام کنند. تا زمانی که عوامل بهبود آمدن و نامگذاری آنها منطقی نباشد و به یک حالت نسبی ترسیم می‌باشد، هرگونه مطالعه و بررسی در خصوص نتایج پژوهش‌ها به شده باشد با احتیاط انجام گیرد.
References

References

References

زیباترین مقالات